



تأثیر تسهیلات تکلیفی دولت بر اضافه برداشت بانکها از منابع بانک مرکزی

اسماعیل لاله گانی^۱

چکیده

اتخاذ و تداوم برخی رویکردهای دولت، همچون تحمیل تسهیلات تکلیفی بر شبکه بانکی، می تواند بانکها را با چالش کسری نقدینگی مواجه سازد که این امر، به افزایش استقراض از بازار بین بانکی و اضافه برداشت منجر خواهد شد. هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر میزان تسهیلات تکلیفی دولت بر اضافه برداشت بانکها از منابع بانک مرکزی است. در راستای دستیابی به هدف پژوهش، ۱۰ بانک بزرگ کشور با بیشترین میزان دارایی، طی دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۰، به کمک مدل پانل ایستا تحلیل و بررسی شد. نتایج برآورد حاکی از آن است که تأثیر تسهیلات تکلیفی دولت و اندازه بانکها، بر اضافه برداشت بانکها از بانک مرکزی مثبت و معنادار است.

واژه‌های کلیدی: تسهیلات تکلیفی، اضافه برداشت، نظام بانکی، دولت، پانل دیتا

طبقه‌بندی JEL: C۲۳ و G۲۱.

۱. دکتری، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، e.lalegani@bankrefah.ir

مقدمه

بانک‌ها با سازمان‌دهی منابع مازاد نقدی مردم و تجهیز و هدایت پس‌اندازها و سپرده‌های آنان به اشخاص حقیقی و حقوقی که با کمبود وجوه نقد مواجه‌اند، در رشد اقتصادی، رشد تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال نقش مهمی بر عهده دارند (سعیدی، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، بانک به‌عنوان یک نهاد انتفاعی به‌دنبال حداکثرسازی سود خود و سپرده‌گذاران بوده و از این رو، ضرورت دارد تا منابع مالی در اختیار خود را به‌صورت بهینه از طریق اعتبارسنجی و رتبه‌بندی اعتباری اشخاص حقیقی و حقوقی به فعالیت‌های مولد و سودآور تخصیص دهد.

با این حال، اتخاذ برخی از رویکردها و سیاست‌های مالی از سوی دولت‌ها، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و بانک‌محور، می‌تواند فرایند تخصیص بهینه منابع بانک‌ها و به‌تبع آن، سودآوری آنها را مختل کند. یکی از این رویکردها، تعیین تسهیلات تکلیفی برای شبکه بانکی است. دولت‌ها این تکالیف مالی را در راستای سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی خود از بخش‌های مختلف اقتصاد و اقشار آسیب‌پذیر به بانک‌ها تحمیل می‌کنند. در اکثر این موارد، این تسهیلات دارای نرخ سود پایین و دوره تنفس بوده و به‌دلیل عدم تخصیص بهینه و کارشناسی، می‌تواند بانک را با ریسک نکول بالاتر مواجه کند. تداوم این رویکرد، بانک‌ها را با مشکل کسری نقدینگی و کاهش توان تسهیلات‌دهی به فعالیت‌های مولد روبه‌رو کرده و آنها را به استفاده از روش‌های جایگزین تأمین مالی همچون استقراض از بازار بین بانکی و اضافه برداشت از بانک مرکزی به عنوان وام‌دهنده آخرین پناهگاه وادار می‌کند.

یکی از وظایف مهم بانک‌های مرکزی، پشتیبانی و حمایت مالی از بانک‌های تجاری است. بانک‌های تجاری ممکن است در شرایطی که پیش‌تر به آن اشاره شد، چاره‌ای جز استفاده از تسهیلات بانک مرکزی نداشته باشند و حمایت نشدن آنها از سوی این نهاد می‌تواند به بروز بحران سیستمی منجر شود (موسویان و امیرعلی، ۱۳۹۲). این وظیفه بانک مرکزی، به‌معنای حساسیت بقای بانک‌ها برای فعالیت‌های اقتصادی است.

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر میزان تسهیلات تکلیفی دولت بر اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی است. برای این منظور، داده‌های مربوط به ده بانک بزرگ کشور از دیدگاه حجم دارایی طی بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۰ جمع‌آوری شده، سپس، این داده‌ها با برآورد مدل پانل ایستا، در راستای هدف پژوهش تحلیل و بررسی شده‌اند.

در این پژوهش، پس از بیان مبانی نظری و پیشینه پژوهش، به ارائه مدل و معرفی متغیرها پرداخته شده و پس از برآورد مدل، یافته‌های پژوهش تشریح شده و نتایج آن توضیح داده شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

هنری تورتون^۱ (۱۸۰۲) و والتر باگهوت^۲ (۱۸۷۳) از نظریه‌پردازان وام‌دهنده آخرین پناهگاه^۳ بودند. آنها بیان کردند که بحران‌های مالی، زمانی رخ می‌دهند که بازارها با شکست مواجه شوند؛ این مهم موجب جلوگیری از تخصیص بهینه منابع مالی بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری نیز می‌شود. به گفته میرون^۴ (۱۹۸۶) و ایچنگرین و پورتز^۵ (۱۹۸۷)، اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی، موجب جلوگیری از بروز بحران در شبکه بانکی می‌شود.

این در حالی است که ملتزر^۶ (۱۹۸۵) و تاکر^۷ (۲۰۲۰) معتقد بودند که بانک‌های مرکزی، نباید از بانک‌های زیان‌ده یا ورشکسته حمایت کنند؛ زیرا این به‌مثابه به خطر انداختن استقلال خود بوده و از سوی دیگر، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی دیگر را به تحمل ریسک‌های بالاتر تشویق می‌کند.

تاکر (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «پرداخت بدهی به‌عنوان یک محدودیت اساسی در سیاست وام‌دهنده آخرین پناهگاه برای بانک‌های مرکزی مستقل: اصول، تاریخچه، قانون» این موضوع را بررسی کردند که بانک‌های مرکزی نباید به بانک‌هایی که می‌دانند در حال ورشکستگی هستند، وام بدهند. بنابراین، زمانی که بانک مرکزی این محدودیت بنیادی را نقض کند، منابع را به هزینه طلبکاران بلندمدت بین طلبکاران کوتاه‌مدت توزیع می‌کنند، طوری عمل می‌کنند که انگار قدرت مالی منتخب هستند و برخی از عمیق‌ترین ارزش‌های قانون اساسی را نقض می‌کنند.

ببندسیل و لاناری^۸ (۲۰۲۲) در پژوهش خود با عنوان «حراج، وام‌دهنده آخرین پناهگاه و پدیده بانک‌گریزی^۹ با نقدینگی مستمر دارایی» به مدل‌سازی میزان نقدینگی فروش دارایی و چارچوب دریافت وثیقه توسط بانک مرکزی به‌عنوان توابع قدرت پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از آن

1. Henry Thornton
2. Walter Bagehot
3. The lender of last resort
4. Miron
5. Eichengreen & Portes
6. Meltzer
7. Tucker
8. Bindseil & Lanari
9. Bank Run

است که بانک‌ها تمایل دارند از کمترین نقدینگی وثیقه واجد شرایط نزد بانک مرکزی استفاده کنند و کاهش ناگهانی نقدینگی دارایی‌ها یا تشدید چارچوب وثیقه، می‌تواند باعث فرار بانکی شود. همچنین، این مدل نشان می‌دهد که چارچوب وثیقه را می‌توان فراتر از هدف آن برای حمایت از بانک مرکزی، به‌عنوان یک ثبات مالی و ابزار سیاست پولی غیرمتعارف درک کرد.

میثمی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «ماهیت حقوقی اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی در بانکداری اسلامی»، موضوع و ماهیت حقوقی اضافه برداشت از بانک مرکزی و موضوع‌شناسی و مستندسازی تجربه نظام بانکی کشور در استفاده از این ابزار را بررسی کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ظرفیت فقه اسلامی می‌تواند به‌دلیل نبود یک قالب حقوقی مناسب راه کارهای جایگزینی همچون قرارداد ربوی اسلامی و تنزیل اسناد طلب بانک‌ها را برای حل مشکل شرعی اضافه برداشت ارائه کند.

همتی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «مدیریت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی: پیش شرط تحقق نرخ تورم تک‌رقمی»، ریشه‌های علل افزایش بدهی بانک‌ها را به بانک مرکزی بررسی کرده و تأکید کرد که سیاست‌های مالی دولت و کسری پنهان بودجه از عوامل مهم شکل‌گیری این پدیده است.

دهقان‌دهنوی و بدلی آرخلو (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر اتکالی بانک‌ها به منابع بانک مرکزی با استفاده از روش GMM»، عوامل مؤثر بر میزان اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی را بررسی کردند. نتایج حاکی از آن بود که سرمایه و نقدینگی بانک‌ها اثر منفی و نسبت تسهیلات به سپرده اثر مثبت و معناداری بر میزان اضافه برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی دارند.

با توجه به حمایت دولت از مشاغل و تشویق به ازدواج و فرزندآوری، بانک‌ها مکلف به پرداخت تسهیلات تکلیفی شده‌اند که از این طریق، تأثیر مثبت و نقش مؤثری در رشد اقتصادی خواهد داشت. پژوهش زیر به‌خوبی این موضوع را بیان کرده است.

سعیدی (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان نقش تسهیلات (تکلیفی و غیرتکلیفی) بانک‌های تخصصی در رشد اقتصادی با استفاده از دو روش توصیفی - پیمایشی و از طریق تحلیل رگرسیون و مدل پنل دیتا به تجزیه و تحلیل اطلاعات در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۵ پرداخته است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که نقش تسهیلات غیرتکلیفی بانک‌های تخصصی بر رشد اقتصادی به‌مراتب بیشتر از تسهیلات تکلیفی این بانک‌ها بوده است. به‌طور کلی، بر اساس مدل‌های برآوردی

نقش بانک‌های تخصصی از طریق اعطای تسهیلات در رشد اقتصادی و ایجاد ارزش افزوده، مثبت و معنادار و مطابق انتظارهای تئوریک است، بنابراین تسهیلات بانکی می‌تواند در سرمایه‌گذاری و رشد تولید در استان نقش مهمی داشته باشد.

پس از بررسی پژوهش‌های بیان‌شده، گفته می‌شود که تفاوت پژوهش حاضر در توجه به اهمیت و تأثیر تسهیلات تکلیفی دولت بر اضافه برداشت از بانک مرکزی است.

روش‌شناسی و مدل پژوهش

در راستای انتخاب ده بانک نمونه به دلیل بررسی تأثیر تسهیلات تکلیفی دولت بر میزان اضافه برداشت بانک‌ها در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۰ ابتدا مجموع دارایی بانک‌های کشور از صورت‌های مالی منتهی به سال مالی ۱۴۰۰ آنها که در دسترس بودند، به شرح جدول ذیل و به ترتیب بر اساس بیشترین حجم دارایی، استخراج شدند.

جدول ۱. فهرست بانک‌های کشور از نظر شاخص مجموع دارایی

ردیف	نام بانک	ردیف	نام بانک
۱	ملت	۱۳	شهر
۲	ملی	۱۴	سامان
۳	صادرات	۱۵	توسعه صادرات ایران
۴	تجارت	۱۶	گردشگری
۵	پاسارگاد	۱۷	دی
۶	پارسیان	۱۸	کارآفرین
۷	صنعت و معدن	۱۹	سینا
۸	مسکن	۲۰	ایران زمین
۹	کشاورزی	۲۱	خاورمیانه
۱۰	رفاه کارگران	۲۲	پست بانک ایران
۱۱	آینده	۲۳	توسعه تعاون
۱۲	اقتصاد نوین		

* بانک سپه به علت انتشار نکردن عمومی صورت‌های مالی منتهی به سال مالی ۱۴۰۰ و سال‌های پیش از آن، از فهرست حذف شده است.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ده بانک برتر از لحاظ داشتن بیشترین حجم دارایی در سال ۱۴۰۰ به عنوان نمونه انتخابی پژوهش حاضر برگزیده و داده‌های مورد نیاز در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۰ از صورت‌های مالی حسابرسی‌شده بانک‌های یادشده، استخراج شد.

پس از مدنظر قرار دادن هدف پژوهش که به دنبال بررسی تأثیر میزان تسهیلات تکلیفی دولت به بانک ها بر میزان اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی است و از سوی دیگر، با توجه به فرضیه های مطرح شده، در این پژوهش از مدل ذیل به عنوان مدل رگرسیونی پژوهش استفاده شده است:

$$OBCR_{it} = c + \alpha LRG_{it} + \sum_{j=1}^J \beta_j BV_{j,it} + \varepsilon_{it} \quad (\text{رابطه ۱})$$

در رابطه بالا، t و i به ترتیب به بانک، سال و عوامل خاص صنعت بانکداری اشاره دارد. منظور از شاخص عامل خاص صنعت بانکداری آن دسته از متغیرهایی است که برای سنجش عملکرد در صنعت بیان شده استفاده می شود. تعاریف مربوط به متغیرهای مدل و نحوه محاسبه آنها به شرح ذیل بیان می شود.

متغیر وابسته

اضافه برداشت بانک ها از بانک مرکزی ($OBCR_{it}$):^۱ به منظور محاسبه این متغیر به پیروی از پژوهش دهقان دهنوی و بدلی (۱۳۹۶) از شاخص جایگزین بدهی به بانک مرکزی نسبت به مطالبه از بانک مرکزی استفاده شده است. بدهی به بانک مرکزی نظیر استقراض، خط اعتباری و اضافه برداشت است. هرچند ماهیت این موارد از نظر روش ایجاد آن، متفاوت است و برخی با موافقت بانک مرکزی و برخی با تخلف بانک ایجاد می شود، اما کماکان همه این اقلام، نشان دهنده بهره برداری از منابع بانک مرکزی در فعالیتهای تجاری بانکهاست.

متغیر مستقل

تسهیلات تکلیفی (LRG_{it}):^۲ اعطای تسهیلات به منظور حمایت از بخش های مختلف اقتصادی یا افشار آسیب پذیر کشور توسط بانکها، از سیاست های حمایتی دولت است. این نوع تسهیلات در هر سال، به موجب قوانین و مصوبات به بانکها تکلیف می شود.

متغیرهای کنترلی صنعت بانکداری ($\sum_{j=1}^J \beta_j BV_{j,it}$)

ریسک اعتباری ($CR_{i,t}$): به منظور اندازه گیری ریسک اعتباری از نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات استفاده شده است. از این رو، تسهیلات غیرجاری شامل تسهیلات سررسید گذشته، معوق

1. The overdraft of banks from the central bank resources

2. Loans Recommended by the Government

و مشکوک‌الوصول است. این نسبت، یکی از نسبت‌های محاسبه‌شده برای شاخص ریسک اعتباری است.

نقدینگی (LIQ_{it}): برای محاسبه شاخص نقدینگی از دارایی‌های نقدشونده به کل دارایی‌ها استفاده می‌شود.

سرمایه (CAP_{it}): این متغیر با استفاده از نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها محاسبه شده است.

اندازه بانک ($SIZE_{it}$): این شاخص از لگاریتم طبیعی میزان دارایی هر بانک محاسبه شده است. بانک‌هایی که اندازه بزرگ‌تری دارند، در پرداخت تسهیلات تکلیفی و غیرتکلیفی توانایی بیشتری دارند.

تسهیلات به سپرده (LTD_{it}): این شاخص از نسبت تسهیلات‌دهی بانک‌ها به کل سپرده‌ها محاسبه می‌شود و نشان‌دهنده آن است که چند درصد از منابع بانک که از محل سپرده‌ها جمع‌آوری شده، در اختیار متقاضیان تسهیلات قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

به‌منظور شناخت بهتر ماهیت جامعه مورد مطالعه و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، پیش از تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری، توصیف داده‌ها ضرورت دارد. شایان ذکر است که آمار توصیفی، متغیرهای جامعه مورد مطالعه را توصیف کرده و شامل شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و ... است. از این رو، نتایج آمار توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در پژوهش به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	نماد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
اضافه برداشت	OBCR	۰/۰۰۰	۵۸۵۴۳/۵۸۰	۷۶۴/۲۲۲	۵۲۸۲/۸۳۳
تسهیلات تکلیفی	LRG	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۹۳	۰/۳۳۴
ریسک اعتباری	CR	۰/۰۰۰	۰/۴۱۲	۰/۱۳۳	۰/۰۹۲
نسبت تسهیلات به سپرده	LTD	۰/۵۸۴	۲۰/۸۹۸	۳/۴۰۴	۳/۷۰۱
نقدینگی	LIQ	۰/۰۰۱	۰/۳۲۳	۰/۰۳۳	۰/۰۴۱
سرمایه	CAP	-۰/۰۸۶	۰/۷۸۷	۰/۰۸۶	۰/۱۳۵
اندازه بانک	SIZE	۱۷/۷۹۷	۲۳/۰۲۹	۲۰/۴۸۷	۱/۱۰۱

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میزان اضافه برداشت بانک‌های نمونه از بانک مرکزی بین صفر تا ۵۸۵۴۳ بوده و این شاخص نشان می‌دهد که برخی از بانک‌ها به میزان بیشتری در حال استقراض هستند. متغیر ریسک اعتباری بین صفر تا ۰/۴۱ است. این شاخص نشان می‌دهد که برخی از بانک‌ها سعی در کنترل ریسک‌های اعتباری با توجه به شاخص‌های بازل دارند، با وجود این، همچنان برخی از بانک‌های نمونه پژوهش، به همکاری با مشتریان بد تمایل داشته‌اند. از سوی دیگر، میانگین نقدینگی بانک‌های نمونه ۰/۰۳۳ است که در صورت کنترل نشدن آن توسط بانک‌ها می‌تواند به بحران‌های بانکی منجر شود. میانگین نسبت تسهیلات به سپرده ۳/۴۰ است که نشان می‌دهد فعالیت بانک‌های نمونه به‌طور عمده بر ارائه خدمات وام‌دهی متمرکز شده است. منفی بودن نسبت سرمایه در برخی بانک‌ها در سال ۱۳۹۷ نشان از وجود زیان اندوخته این بانک‌ها بوده است. در جدول ۳ هم‌بستگی بین متغیرها نشان داده شده که حاکی از هم‌بستگی ضعیف بین متغیرها بوده است.

جدول ۲. هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش

SIZE	CAP	CR	LIQ	LRG	LTD	OBCR	
						۱/۰۰۰	OBCR
					۱/۰۰۰	-۰/۰۵۹	LTD
				۱/۰۰۰	-۰/۱۹۹	-۰/۲۰۹	LRG
			۱/۰۰۰	-۰/۳۴۱	-۰/۳۸۰	-۰/۰۳۴	LIQ
		۱/۰۰۰	-۰/۰۲۲	-۰/۲۳۲	-۰/۰۲۰	-۰/۱۲۶	CR
	۱/۰۰۰	-۰/۰۳۸	-۰/۲۰۳	-۰/۰۲۰	-۰/۰۴۵	-۰/۰۳۹	CAP
۱/۰۰۰	-۰/۴۳۷	-۰/۱۷۴	۰/۴۷۶	۰/۶۵۲	-۰/۲۰۲	-۰/۰۸۱	SIZE

آزمون مانایی

برای اطمینان از مانایی متغیرها، از آزمون ریشه واحد داده‌های پانلی لوین، لین و چو^۱، ایم، پسران و شین^۲، دیکی فولر تعمیم‌یافته^۳ و فیلیپس و پرون^۴ استفاده می‌شود. با توجه به اینکه دوره زمانی مورد

1. Levin, Lin & Chui
2. Im, Pesaran & Shin
3. Augmented Dicky Fuller
4. Phillips & Perron

مطالعه کوتاه است، پس ضرورتی به انجام آزمون‌های ریشه واحد پانلی و آزمون هم‌انباشتگی پانل وجود ندارد (بالتاجی^۱، ۲۰۰۵). بنابراین، با توجه به اینکه دوره زمانی مدنظر در این پژوهش، کمتر از ۱۵ سال است و از سوی دیگر، شاخص‌های استفاده‌شده نیز به صورت نسبت است، به آزمون مانایی نیاز نیست.

برآورد مدل و تحلیل یافته‌ها

پیش از برآورد مدل پانل ایستا، نیاز است تا تلفیقی یا پانل بودن داده‌ها آزمون شود. بدین منظور، در ابتدا از آزمون F لیمر استفاده می‌شود که فرض صفر آن مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها است. بنابراین، نتایج آزمون نشان می‌دهد که به دلیل کمتر بودن سطح معناداری از سطح ۱۰ درصد، فرض صفر آزمون رد شده و مدل با اثرهای ثابت پذیرش شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون F لیمر

آزمون	مقدار آماره	سطح معناداری	نتیجه آزمون
F لیمر	۱۷/۴۵	۰/۰۴	پذیرش داده‌های پانلی

فرض اصلی در اثرهای ثابت به معنای وجود هم‌بستگی میان جملات خطا با متغیرهای توضیحی بوده است. این در حالی است که در اثرهای تصادفی، این هم‌بستگی وجود ندارد. به منظور انتخاب مدل برتر میان اثرهای ثابت و تصادفی، از آماره آزمون هاسمن استفاده شده که در این آزمون، روش برآورد اثرهای ثابت برای مدل پژوهش، گزینه مطلوب‌تری است، زیرا آماره آزمون با سطح معناداری ۹۰ درصد، اثرهای ثابت را به اثرهای تصادفی ترجیح داده است.

جدول ۵. نتایج آزمون هاسمن

آزمون	مقدار آماره	سطح معناداری	نتیجه آزمون
هاسمن	۱۱/۱۲	۰/۰۸	پذیرش مدل اثرهای ثابت

برآورد تأثیر تسهیلات تکلیفی دولت بر میزان اضافه برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی با استفاده از مدل پانل ایستا برای ده بانک بزرگ از نظر حجم دارایی‌ها در کشور ایران و با استفاده از نسخه ۱۰ نرم‌افزار ایویوز در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد مدل

متغیر	ضریب	آماره t	معناداری
C	-۹۵۹۶۰/۸	-۲/۰۳۱۵۸	۰/۰۴۴۶
LRG	۵۶۲۵/۵۷۱	۲/۲۷۱۱۱۵	۰/۰۲۵۱
LTD	-۲۵/۵۴۴	-۰/۱۳۰۶۵	۰/۸۹۶۳
CR	-۸۰۵۹/۷۶	-۰/۹۳۲۸۲	۰/۳۵۲۹
CAP	-۲۹۸۴/۷۶	-۰/۵۸۰۶۳	۰/۵۶۲۷
LIQ	-۷۴۵۰/۷	-۰/۴۸۵۴۹	۰/۶۲۸۳
SIZE	۴۷۲۲/۰۵۷	۲/۰۵۵۶۴۴	۰/۰۴۲۲

همان طور که در جدول ۶ مشاهده می شود، تسهیلات تکلیفی و اندازه بانک، بر میزان اضافه برداشت بانکها از منابع بانک مرکزی، دارای اثر مثبت و معناداری است. بانکها از سوی دولت مکلف به پرداخت تسهیلات قرض الحسنه می شوند که افزایش هرچه بیشتر این اهرم فشار بر بانکها، آنها را ناچار به اتکا به منابع بانک مرکزی می کند. از سوی دیگر، هرچه اندازه یک بانکی در اقتصاد کشور بزرگ تر باشد، میزان اضافه برداشت از بانک مرکزی برای اعتباردهی به مشتریان خود بیشتر خواهد شد. این نتیجه با پژوهش دهقان دهنوی و بدلی آرخلو (۱۳۹۶) نیز مطابقت دارد.

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، برآورد اثر تسهیلات تکلیفی دولت بر میزان اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی در میان ده بانک بزرگ کشور بوده است. بدین منظور، از مدل پانل ایستا برای بانکهای نامبرده در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۰ استفاده شده است.

نتایج حاصل از آزمون F لیمر و هاسمن به ترتیب نشان دهنده پذیرش داده های پانلی و پذیرش مدل با اثرهای ثابت بوده است. سپس، مدل با اثرهای ثابت برآورد شده و نشان داده شده که تسهیلات تکلیفی و همچنین میزان اندازه بانک، بر میزان اضافه برداشت بانکها از منابع بانک مرکزی، دارای اثر مثبت و معناداری هستند.

با بررسی آنچه در این پژوهش به دست آمده، برای سیاست گذاران، ناظران و مجریان پیشنهادهایی ارائه می شود که این راه کارها و توصیه ها در راستای نیل به هدف کاهش میزان اضافه

برداشت بانکها از منابع بانک مرکزی پیشنهاد می‌شود. از این رو، پیشنهادهای پژوهش به شرح ذیل است:

۱. نظارت دقیق بر روشها و ابزارهای مدیریت نقدینگی بانکها و اتخاذ استانداردهای معین به منظور کاهش شکاف شدید نقدینگی که به کاهش در اضافه برداشت بانکها منجر خواهد شد.
۲. نظارت بر نسبتهای مهم مالی همچون نسبت تسهیلات بر سپرده که موجب کاهش در نوسانهای نقدینگی خواهد شد و این مهم، تواتر در موقعیتهایی که موجب اضافه برداشت بانکها می‌شود را کاهش می‌دهد.
۳. یکی از مهم‌ترین اصلاحات ساختاری مورد نیاز در شبکه بانکی، اصلاح ساختار سرمایه بانکها و تقویت نسبت حقوق صاحبان سهام بوده که با توجه به استانداردهای توافقی نامیه بازل برای کفایت سرمایه، می‌تواند به عنوان یک عامل انگیزشی در رفتار احتیاطی بانکها عمل کند. از این رو، حساسیت بانکها برای پذیرش سطوح قابل قبول ریسک بیشتر شده و از اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی خودداری خواهند کرد.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

- دهقان دهنوی، محمدعلی؛ بدلی آرخلو، آی‌ناز (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر اتکای بانکها به منابع بانک مرکزی با استفاده از روش GMM. *فصل‌نامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی*، ۳(۵)، ۱۱۵-۱۳۳.
- سعیدی، پرویز (۱۳۸۸). نقش تسهیلات (تکلیفی و غیرتکلیفی) بانکهای تخصصی در رشد اقتصادی، *مدیریت صنعتی*، ۴(۸)، ۹۷-۱۱۰.
- موسویان، سیدعباس؛ امیرعلی، محمد (۱۳۹۲). راه کار اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانکهای تجاری در بانکداری اسلامی. *فصل‌نامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۴۶)، ۱۲۳-۱۵۲.
- میثمی، حسین (۱۳۹۲). ماهیت حقوقی اضافه برداشت بانکها از بانک مرکزی در بانکداری اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۸(۷۲)، ۱۲۱-۱۴۹.

همتی، مریم (۱۳۹۴). مدیریت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی: پیش شرط تحقق نرخ تورم تک‌رقمی. *بیست و پنجمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی*.

ب. انگلیسی

Bagehot, W. (1873). *Lombard Street: A Description of the Money Market*. Available in: <https://www.econlib.org/library/Bagehot/bagLom.html>

Baltagi, Badi H (2005). *Econometric Analysis of Panel Data* (Third Edition). www.wiley.com

Bindseil, U., Lanari, E. (2022). Fire Sales, the LOLR, and Bank Runs with Continuous Asset Liquidity. *Journal of Financial Crises*, 4(4), 77-102.

Eichengreen, B. & Portes, R. (1987). *The anatomy of financial crises*. Cambridge University Press.

Meltzer, A. H. (1985). *Financial failures and financial policies*. New York: Global Action Institute: Report of the Technical Committee.

Miron, J. (1986). Financial Panics, the seasonality of the nominal interest rate, and the founding of the Fed. *American Economic Review*, pp. 125-140.

Thornton, H. (1802). *An Enquiry into the Nature and effects of the paper credit of Great Britain*. <https://mises.org/library/enquiry-nature-and-effects-paper-credit-great-britain>

Tucker, Sir Paul M. W. (2020). Solvency as a Fundamental Constraint on LOLR Policy for Independent Central Banks: Principles, History, Law. *Journal of Financial Crises*, 2(2), 1-33.